

پناهجویان بی پناه

و

اعلامیه جهانی حقوق بشر اسلامی^۱

امیر فیض - حقوقدان

اعلامیه جهانی حقوق بشر اسلامی در سال ۱۹۹۰ بتصویب سازمان کنفرانس اسلامی که در سال ۱۹۷۴ در دفتر سازمان ملل متحد طبق ماده ۱۰۲ ثبت شده بود رسید و با وجود اینکه ۴۵ کشور اسلامی عضو سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی آنرا تائید کردند ولی معهذاً فاقد شهرت و آشنائی در حد اعلامیه جهانی حقوق بشر است.

در سالهای ۱۹۹۰ و قبل آن کنفرانس کشورهای اسلامی ظاهراً متوجه شدند که اعلامیه جهانی حقوق بشر با مبانی اسلامی موازی نیست و کشورهای مسلمان نمیتوانند پیرو آن باشند و شاید هم باطنا بمنظورهای سیاسی درک مزبور عنوان شد.

میتوان اذعان داشت که جمهوری اسلامی در ایجاد اعلامیه جهانی حقوق بشر اسلامی نقش پررنگی داشته است. برخی بررسی ها نشان میدهد که پیش نویس اعلامیه جهانی حقوق بشر اسلامی از تهران تهیه شده است و همان بررسی ها هم نشان میدهد که حقوقدانان مصری در بست پیش نویس تهران را نپذیرفته و آنرا بسیار سبک کرده اند نماینده جمهوری اسلامی در سال ۱۹۸۱ در اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل گفت: «اعلامیه جهانی حقوق بشر یک برداشت سکولار از فرهنگ یهود و مسیح است که نمیتواند از سوی مسلمانان با رعایت قوانین اسلامی اجرا شود» این اظهارات نماینده جمهوری اسلامی بسیار نزدیک با اظهارات نماینده کشور عربستان است که با عنوان چنین ایرادی از عضویت در اعلامیه جهانی حقوق بشر در سازمان ملل خودداری کرد.

فاصله زمانی بین اعلامیه جهانی حقوق بشر و اعلامیه جهانی حقوق بشر اسلامی ۴۲ سال است یعنی ۴۲ سال بعد از صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر، کشورهای اسلامی متوجه شدند که اعلامیه جهانی حقوق بشر در کشورهای اسلامی قابل اجراییست!

^۱ - اعلامیه اسلامی حقوق بشر یا اعلامیه حقوق بشر اسلامی یا اعلامیه قاهره درباره حقوق بشر در اسلام اعلامیه است که توسط سازمان کنفرانس اسلامی در ۱۴ مرداد ۱۳۶۹ (۵ اوت ۱۹۹۰) در شهر قاهره تصویب شد. این اعلامیه، خلاصه‌ای از نگاه اسلامی به حقوق بشر فراهم می‌کند. این اعلامیه معمولاً به عنوان واکنش اسلامی به اعلامیه جهانی حقوق بشر پس از جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۸، تلقی می‌شود.

کشورهای برجسته اسلامی مانند جمهوری اسلامی (ایران)، سودان (که امروز به دو بخش تقسیم شده) و عربستان سعودی، بارها اعلامیه جهانی حقوق بشر را به خاطر عدم در نظر گرفتن زمینه فرهنگی و دینی کشورهای غیر غربی مورد انتقاد قرار می‌دادند. در سال ۱۹۸۱ نماینده ایران در سازمان ملل موضع کشورش را در مورد اعلامیه جهانی حقوق بشر چنین بیان کرد: «این اعلامیه یک برداشت سکولار نسبی‌گرایانه از فرهنگ یهودی-مسیحی، است که نمی‌تواند توسط مسلمانان بدون تجاوز از قوانین اسلامی اجرا شود.» در سال ۱۹۹۰ اعضای سازمان کنفرانس اسلامی اعلامیه اسلامی حقوق بشر را تصویب کردند. ح-ک

موقعیت کنونی جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی در عین اینکه پیشنهاد کننده اعلامیه جهانی حقوق بشر اسلامی و از اعضای اصلی آن است عضویت اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد را هم دارد و غالب پیوست های آنرا هم امضا کرده است. این تعارض از نظر حقوقی و آثار آن چیز کم اهمیتی نیست. شرکت در دو عهدنامه بین المللی معارض یکدیگر نه تنها قابل دفاع نیست که حتما قابل استیضاح است؛ و این بزرگترین نقطه ضعف در جامعه حقوقی حقوق بشر است.

محمد جواد لاریجانی متوجه این مشکل بزرگ بوده که گفته است: «مادر تعارض این دو اعلامیه جهانی حقوق بشر هستیم. ما اعلامیه جهانی حقوق بشر را امضا کرده ایم و متعهد به اجرای آن هستیم و طبیعی است که یک تعهد بین المللی داریم و خروج از آن تعهد تالی و فاسد دارد».

اشاره به اظهارات لاریجانی با این مقصود است که جمهوری اسلامی و همه کشورهای اسلامی که هم اعلامیه جهانی حقوق بشر را امضا کرده اند و هم عضو اعلامیه جهانی حقوق بشر اسلامی هستند دوسره بار میکنند و نمیتوانند در هر دو اعلامیه با وجود مراتب تضاد اجرائی متعهد باشند -

هدف محدود این تحریر

هدف نخست این تحریر مقایسه بین دو اعلامیه مزبور نیست که آن خود گرچه لازم و مکمل رساله (اسلام و حقوق بشر از انتشارات سنگر) ^۲ خواهد بود. ولی کار مجزای دیگری است. پیگیری این تحریر در محدوده تعارض پناهندگی در دو اعلامیه مزبور میباشد.

هدف دوم - سیر حقوقی دو اعلامیه متضاد در مجمع عمومی سازمان ملل و تاثیر آن در رابطه اجرائی اعلامیه جهانی حقوق بشر.

هدف اول - تعارض پناهندگی در دو اعلامیه

تعارض امر پناهندگی در اعلامیه جهانی حقوق بشر با اعلامیه جهانی حقوق بشر اسلامی یک تعارض فلسفی و ریشه ای است نه اینکه فکر کنیم که محدود به امر پناهندگی است.



در فلسفه اسلامی بشر فاقد اراده و بنده خدا شناخته میشود و این برداشت فلسفی و دینی خلاف برداشت متفکران غربی غیر اسلامی است که انسان را آزاد و مستقل میدانند. مستند فلسفه اسلامی در این مورد آیه ۶۴ سوره آل عمران است، و در نهایت فلسفه اسلامی به قانونی غیر از آنچه خدا آورده اعتباری نمیدهد و خود را ملزم به رعایت آن نمیداند و از آن جمله است اعلامیه جهانی حقوق بشر.

بارعایت اصل بالا که تردیدی دراصلت آن درباورمسلمانان نیست براحتی میتوان تفاوت بین دواعلامیه مزبوررا ملاحظه کرد.

مقایسه دو ماده مربوط به پناهجویان در دواعلامیه مذکور

ماده ۱۳ اعلامیه جهانی حقوق بشرناظر است که هر شخصی حق دارد درداخل کشور آزادانه رفت و آمد کند، و اقامتگاه خود را درهرکشوری برگزیند و نیزهرشخصی حق دارد هرکشوری را از جمله کشور خود را ترک کند و یابه کشورخود بازگردد.

چنانکه ملاحظه دارید اعلامیه جهانی حقوق بشر یک حق کلی برای بشرقائل شده که درهرکشوری که میخواهد، زندگی کند و ماده ۱۴ همان اعلامیه به افراد بشرحق داده شده که دربرابرشکنجه و تعقیب و آزار پناهگاهی جستجو کند و درکشورهای دیگرپناه بگیرند که به، این ترتیب موضوع پناهندگی مطرح و با وضع میثاق هائی ملاک عمل و سالیان متمادی هم به اجرا در آمده است.

اکنون به بینیم که اعلامیه جهانی حقوق بشر اسلامی چه میگوید

ماده ۱۲ هرانسانی برطبق شریعت حق انتقال و انتخاب مکان برای اقامت درداخل و یا خارج از کشور را دارد و درصورت تحت ظلم قرارگرفتن میتواندبه کشوردیگری پناهنده شود و برکشورپناه دهنده واجب است که با او مدارا کند تااین که پناهگاهی برایش مهیا بشود بااین شرط که عمل پناهنده شده به خاطر ارتکاب جرم طبق نظرشرع نباشد.

درظاهرتفاوت چندانی بین ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر اسلامی با ماده ۱۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیست و هر دو اصل پناهندگی را پذیرفته اند ولی ورود شرط شریعت، و نظرشرع، بکل حرکت آزادانه ترک کشوری یا استفاده ازپناهندگی را غیرممکن میسازد.

چرایش رابه اختصارملاحظه فرمائید:

شریعت اسلام اجازه ترک اقامت دائم کشور اسلامی و قبول تابعیت کشورهای کفررا به مسلمانان نمیدهد

بنابراین آزادی که در ماده ۱۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر به انسان ها داده شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر اسلامی از مسلمانان سلب شده است.

در ماده ۱۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر به افراد بشرحق داده شده که درمقابل شکنجه و تعقیب و آزار از حق پناهندگی استفاده کند و چنانکه در بالا عرض شد اعلامیه جهانی حقوق بشر هم حق مزبور را برای مسلمانان قائل شده است مشروط بریک شرط **کوچولو!** و آن اینکه فشار و تهدید و تعقیب و یا شکنجه بعلت ارتکاب جرم طبق موازین اسلامی نباشد.

همین شرط کوچولو! که چندان بنظر نمیاید، حق مخالفت با حکومت اسلامی را از مسلمانان سلب میکند و بنا بر آیه معروف اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولامر منکم مسلمانان حق مخالفت با حکومت اسلامی را ندارند نتیجه اینکه اگر فشار و تهدید و تعقیب و شکنجه ناشی از مخالفت با حکومت اسلامی باشد، (حقوق بشر، بی حقوق بشر).

اجتهاد در مقابل نص ممنوع

در پایان اعلامیه جهانی حقوق بشر اسلامی دوماده پیاده شده که مواد ۲۴ و ۲۵ است و این دوماده درحقیقت ممنوع ساختن اجتهاد و اظهارنظر و یا تفسیربند های حقوق بشر اسلامی است.

ماده ۲۴ میگوید < کلیه حقوق و آزادی های مذکور در این سند مشروط به مطابقت با احکام شریعت اسلامی است >.

ماده ۲۵ که آخرین ماده اعلامیه مزبور است میگوید: < مرجعیت اسلامی تنها مرجع تفسیر یا توضیح هر ماده ای از اعلامیه مزبور است >

یعنی تفسیر اعلامیه جهانی حقوق بشر اسلامی تنها بر عهده متولیان اسلام و در کشورهای تشیع مراجع تقلید است که قدرت تشخیص احکام شریعت به آنها نسبت داده شده است و کمیسیون های حقوق بشری سازمان ملل صلاحیت اظهار نظر نسبت به روند حقوق بشر در کشورهای اسلامی را ندارند.

اثر این تعارض

پیش پا افتاده ترین اثر تعارض بین مواد ۱۳ و ۱۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر با اعلامیه جهانی حقوق بشر اسلامی این است که کشورهای اسلامی نمیتوانند به اعتبار اسلام و همین اعلامیه جهانی حقوق بشر اسلامی مسلماتانی که از کشورهای اسلامی راه پناهندگی را برگزیده اند بعنوان پناهنده قبول کنند.

اگر کشورهای اسلامی از زیر بار قبول پناهندگی پناهجویان شانہ انسانی خالی میکنند که کرده اند به اقتضای مصالح اقتصادی و فرهنگی نیست؛ اعتبار ملاحظاتی مذهبی و قبول اعلامیه جهانی حقوق بشر خودشان عامل موثری است که آنها را از انجام این تکلیف انسانی ساقط میسازد.

جنگ و پناهندگی در اعلامیه جهانی حقوق بشر اسلامی

بخش عظیمی از فاجعه رقت بار پناهندگان ناشی از جنگ در کشور اسلامی سوریه و عراق بوده و هست. در برنامه سی ان ان یکی از پناهجویان حرف خیلی ساده و پرارجی گفت، گفت: «شما (خطاب به اروپائیان) جنگ را به داخل کشور ما نیاورید تا ما هم به کشور شما پناهنده نشویم».

این یک منطق اخلاقی و همچنین وجود رابطه علت و معلول بین جنگ و پناهندگی است ولی حقوق اسلامی و منتبع آن اعلامیه جهانی حقوق بشر اسلامی آنرا پذیرا نیست و در کلام کوتاه اسلام اجازه و حق نمیدهد به مسلماتان که کشور خود را در مقابل کفاری دفاع بگذارند و یا از جنگ فرار کنند و یا مصیبت های آنرا تحمل نکنند. در سنت محمد حتی خانه های مخالفین جنگ به آتش کشیده میشد.

بنابراین پناهجویان سوری و عراقی که مسلمان باشند نمیتوانند بر طبق اعلامیه جهانی حقوق بشر اسلامی پناهنده محسوب شوند.

لذا، آوارگان سوری و عراقی مسلمان، به اعتبار اسلام و اعلامیه جهانی حقوق بشر اسلام نه، میتوانند از رحل اقامت در کشورهای خارجی کفر بهره مند شوند و نه بر اساس فشارها و تعقیب ها و مجازات دولت های

متجاوز به حقوق آنان در کشور هایشان و نه میتوانند بعلت جنگ بیگانه با کشورشان، کشور را ترک کنند و به کشورهای کفرپناه آورند.

کشورهای عربی ثروتمند خلیج فارس از جمله عربستان سعودی از پیشگامان تهیه و امضای اعلامیه جهانی حقوق بشر **اسلامی** است نمیتواند خلاف آن اعلامیه عمل کند؛ اسلام و اعلامیه مزبور بسیار بهانه موجهی است که آن کشورها به زیریک تعهد اخلاقی و نه اسلامی قرارگیرند عربستان آنقدر نسبت به اعلامیه جهانی حقوق بشر حساسیت داشت که علیرغم اینکه بیشتر کشورهای اسلامی آنرا امضا کرده اند عربستان بمناسبت مخالفت آن با حقوق و آزادی زنان و مردان آنرا امضا نکرد. این چنین کشوری اکنون نمیتواند اعمالی که متوازن با همان اعلامیه جهانی حقوق بشر است را تائید کند.

اعزام نمایندگان حقوق بشر به کشورهای اسلامی

یکی دیگر از تبعات اعلامیه جهانی حقوق بشر **اسلامی** این است که کشورهای **اسلامی** حق دارند نماینده شورای حقوق بشر سازمان ملل برای بازرسی امر حقوق بشر در کشور خودشان را رد کنند کاری که ایران و پاکستان با احمد شهید نماینده ویژه شورای حقوق بشر سازمان ملل کردند.

مقامات جمهوری اسلامی اعلام کردند «سیاست ایران پذیرش گزارش گروه ویژه شورای حقوق بشر سازمان ملل نیست» مبنای حقوقی این استدلال برمیگردد به همان اعلامیه جهانی حقوق بشر **اسلامی** که حق نظارت و بازرسی را از شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد ساقط میسازد.



تعارض حقوقی در سطح حقوق بین الملل

تحریر حاضر ممکن است با بحث زیر از جامعیت نسبی برخوردار گردد.

در آخرین ماده اعلامیه جهانی حقوق بشر (ماده سی ام) آمده است.

هیچیک از مقررات اعلامیه حاضر نباید طوری تفسیر شود که متضمن حقی برای دولتی یا جمعیتی یا فردی باشد که بموجب آن بتواند هریک از حقوق و آزادیهای مندرج در این اعلامیه را از بین ببرد و یا در آن راه فعالیت بکنند.

مفهوم اجرائی ماده مزبور مانع ثبت و صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر **اسلامی** در دفتر ثبت سازمان ملل متحد است. زیرا اعلامیه جهانی حقوق بشر **اسلامی** متضمن حق خاصی برای کشورهای اسلامی است و این عمل با تحدید اختیارات کشورهای عضو اعلامیه جهانی حقوق بشر تعارض دارد.

اگر این حق برای پیروان اسلام قائم به وجود باشد که حقوق بشر خاصی بر آنها حاکم و ناظر باشد چرا این حق برای پیروان ادیان دیگر از قبیل بودائیان و زرتشتیان و یهودیان و غیره نباید در کنار اعلامیه جهانی حقوق بشر **اسلامی** در صحنه بین المللی خود نما گردد.

چه کسی است که آشفتگی ناشی از این امتیاز دینی و مذهبی را درک نکند و فاتحه اعلامیه جهانی حقوق بشر را بخواند.

سازمان ملل متحد تکلیف دارد به نابسامانی حضور دو اعلامیه جهانی حقوق بشر که هر دو هم ثبت در دفتر سازمان ملل شده است خاتمه دهد و جلوی این خودسری های اسلامی که نوعی زورگویی به کشورهای جهان است را سد کند حقوق بشر نمیتواند با دوقانون حافظ حقوق بشر باشد.

موقعیت پناهجویان در حقوق بین الملل

بنظر میرسد که موقعیت پناهجویان با آنکه علت پناهنجونی آنها یکسان یعنی جنگ کشور آمریکاست ولی موقعیت حقوقی آنها در حقوق بین الملل و کشورهای عضو سازمان ملل یکسان نیست.

از آنجا که کشورهای اروپایی اعلامیه جهانی حقوق بشر **اسلامی** را تانید نکرده اند لذا مسئولیت آنها در حول و حوش همان اعلامیه جهانی حقوق بشر و مصوبات مربوطه به آن میباشد یعنی ملزم به رعایت احوالات پناهنگان و ترتیباتی که کنوانسیون های مربوطه مقرر کرده است خواهند بود.

ولی از آنجا که کشورهای اسلامی از جمله سوریه و عراق اعلامیه جهانی حقوق بشر اسلامی را امضا کرده اند و در واقع یک عهدنامه بین المللی است که مورد اعتراض سازمان ملل هم قرار **نگرفته** و طبق ماده ۱۰۲ در دفتر سازمان ملل هم به ثبت رسیده لذا برای آنکشورها آسان نیست که از آن اعلامیه حقوق بشر **اسلامی** عدول کرده و مناسبات پناهندگان کشور خودشان را منطبق با اعلامیه جهانی حقوق بشر از کشورهای اروپایی خواستار شوند؛ لاجرم مردم بی پناه آن کشورها بصورت همگانی و با حالتی بغایت ننگ بشریت از مرکز کشورها میگریزند بدون آنکه بدانند به کجا و با چه سرنوشتی میروند و باز بدون اینکه نص روشنی برای آنان تعیین تکلیف کرده باشد.

